

# اهداف و نشانه‌های تحقق درس‌ها چراغ راه آموزگار در ارزشیابی توصیفی

زهراسادات یاسینی

## اشاره

کارشناسان و معلمان، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، اهداف و نشانه‌های تحقق کلیه‌ی درس‌های دوره‌ی ابتدایی را تهیه کرده‌اند و این نتایج در کتاب راهنمای معلم و ارزشیابی توصیفی به چاپ رسیده است.

زهراسادات یاسینی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله است. با دیدن مقاله‌ی مریم عبدی از مشهد و برای رفع پاره‌ای ابهامات در زمینه‌ی ارزشیابی توصیفی، در بخش «سردبیر شماست» از نظرات وی استفاده کردیم.

در دوره‌های ضمن خدمت آموزش آموزگاران تابستان ۹۳، ارزشیابی از برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی با رویکرد توصیفی به‌عهده‌ی اینجانب گذاشته شده بود. در شروع کلاس، آموزگاران سؤالاتی را مطرح می‌کردند که برایم تعجب‌آور بود. به‌طور مثال، وقتی دانش‌آموزانم نمرات ۱۷ تا ۲۰ می‌گیرند، به آن‌ها بسیار خوب می‌دهم. آن‌ها و اولیای ایشان اعتراض می‌کنند که چرا به نمره‌ی ۱۷ بسیار خوب می‌دهید و به نمرات بالاتر هم همین‌طور. از صحبت‌هایشان دریافتم که در فرایند یادگیری، بازخوردهایشان را به‌صورت سلیقه‌ای و به عبارت دیگر، ابتدا به‌صورت نمره و سپس رتبه‌بندی شده اعلام می‌کنند و این عمل نه‌تنها برخلاف اهداف ارزشیابی توصیفی است، بلکه پیامد نامطلوبی را به همراه خواهد داشت. در آن زمان، تصمیم گرفتم در این مورد مطلبی بنویسم، و لیکن مشغله‌های زندگی امانم نداد، تا اینکه مطلب سرکار خانم **مریم عبدی** با عنوان «اعدادم آرزوست» برای کارشناسی به دستم رسید. مقاله‌ای که بعداً در رشد آموزش ابتدایی آبان‌ماه ۱۳۹۴ به چاپ رسید.

ایشان نیز اشاره کرده‌اند که برخی از آموزگاران نمرات را به مقیاس تبدیل می‌کنند و با این کار، دانش‌آموزی که سه غلط دارد، با دانش‌آموزی که هیچ غلطی ندارد، برابر می‌شود و هر دو بسیار خوب می‌گیرند. این امر گریه‌های دانش‌آموزان را در پی دارد.

# مادر بر غنچه‌ی گل شکفتن آموخت

اصغر ندیری

در این شماره از مجله، به بهانه‌ی برگزاری همایش بزرگداشت دکتر غلامحسین شکوهی در زادگاه او از سوی معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، ویژه‌نامه‌ی بزرگداشت استاد غلامحسین شکوهی را خواهید خواند. آنچه قابل توجه می‌نماید، عشق و

علاقه‌ی استاد به مادرشان است. به‌طوری که در بیشتر جاها نویسندگان ما به آن اشاره کرده‌اند، و چقدر این کلمه‌ی زیبا پر دامنه شده است.

اینجانب هم پس از دیدن مطالب رسیده به این واقعیت شیرین رسیدم که دکتر شکوهی بسیار از مادر تأثیر گرفته است و آیا این موضوع در جامعه‌ی ما امری غریب است؟

هر صبح مادران دستان کودکان خود را در دست می‌گیرند و گاه با در آغوش داشتن دل‌بندی دیگر، نوگل خود را به‌سوی بوستان علم و ادب رهنمون می‌شوند. بیت معروف شاعر خوش‌قریحه، **ایرج میرزا**، در اینجا ندای می‌شود که فرموده است:

دستم بگرفت و پا به پا برد  
تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت  
یک حرف و دو حرف بر زبانم  
الفاظ نهاد و گفتن آموخت

آری، هر صبح مادران با لقمه گذاشتن در دهان دانش‌آموز یک حرف و دو حرف توانمندی، مهر و علم را در کام او حلاوت می‌بخشند تا بدانیم هستی من ز هستی اوست و بدانیم تا هستم و هستم، دارمش دوست.

حضرت مادر، **شکوهی** جوان را پس از هر نماز دعا می‌کند. کودکی در دامن پرمهر مادر چشم‌اندازی دیگر دارد.

مادران آموزگار ما نیز در این جرگه جای دارند. آن‌ها نیز هر یک مادری هستند که شکوهی‌ها را در بغل دارند و آن‌ها را با سحر کلام پرورش می‌دهند. آیا هر صبح یا هر وقت شروع دبستان، به واقع می‌توانید مادران برتر را از یکدیگر تمیز دهید؟ مادر، مادر است، در هر لباس و هر مکان، چه پشت در مدرسه و کلاس و چه روبه‌روی تخته و در حال تعلیم. باز هم ایرج درباره‌ی مادر می‌گوید:

لبخند نهاد بر لب من  
بر غنچه‌ی گل شکفتن آموخت

آیا سخن گفتن با دانش‌آموز به غیر از گل گفتن و گل شنیدن است؟

